

Examining the Role of Social Media in New Social Movements A Case Study of the Black Lives Matter Movement

Ali Davari¹  & Mostafa Ghaffari² 

DOI: [10.48308/piaj.2025.239072.1662](https://doi.org/10.48308/piaj.2025.239072.1662) Received: 2025/3/11 Accepted: 2025/6/17

Original Article

Abstract Extended

Introduction: In recent decades, social media has become a central force in shaping collective action and public discourse. Within this context, a new generation of social movements has emerged that, unlike their classical predecessors, emphasizes cultural issues, identity politics, and decentralized forms of organization. Alberto Melucci's theory of new social movements analyzes these developments through key concepts such as collective identity, symbolic action, network-based structures, and autonomy. The "Black Lives Matter" movement is a prominent example of this new wave. It originated in 2013 as a reaction to the acquittal of George Zimmerman in the fatal shooting of Trayvon Martin and rapidly transformed from a localized protest into a global movement against systemic racism and structural police violence. The role of social media in facilitating this transformation is undeniable. This study aims to analyze how social media has shaped and influenced the key features and dynamics of the Black Lives Matter movement using Melucci's theoretical framework.

Methods: This is a theoretical study with a descriptive-analytical approach. Data were collected through a document-based methodology and include academic articles, official statements by the Black Lives Matter movement, social media posts, and secondary analyses by scholars in the field of social movements. The data were analyzed using a theory-driven method, meaning that pre-existing theoretical concepts served as the conceptual framework for organizing and interpreting the data. The analytical framework is based on Alberto Melucci's theory of new social movements, which identifies indicators

1. PhD candidate in Political Science, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran. (Corresponding author). davari.ali@ut.ac.ir

2. Assistant Professor of Political Sociology Department, Faculty of Islamic Studies and Political Science, Imam Sadiq University, Tehran, Iran. mo.ghaffari@isu.ac.ir



across three levels: the nature of the movement, its structure, and its goals.

Results and Discussion: The results indicate that the Black Lives Matter movement exhibits many of the key characteristics of new social movements as outlined by Melucci. However, the study also reveals that social media introduces certain challenges that warrant a reconsideration of Melucci's framework. The horizontal nature of digital platforms can lead to message fragmentation and a lack of coherence in collective identity. Moreover, the accelerated pace of online discourse—while expanding the scope and visibility of protests—can intensify activist cycles and lead to burnout. Additionally, the movement's dependence on private platforms such as Twitter and Facebook raises issues such as censorship, algorithmic bias, and data privacy—dimensions largely absent from Melucci's original theory.

Conclusion: By integrating Melucci's theoretical insights with the empirical realities of the Black Lives Matter movement, this study shows how social media can simultaneously reinforce and complicate the features of new social movements. From rapidly forming collective identities to expanding intersectional agendas, digital platforms have amplified the global visibility of the movement. At the same time, the scale and speed of online activism highlight the need to revisit and revise Melucci's original concepts. The findings suggest that future research should adapt Melucci's framework to account for issues such as platform governance, algorithmic amplification, and activist fatigue in digital environments. Updating existing theoretical models in this way would enable scholars to more effectively analyze the dynamic processes shaping 21st-century social movements and their transformative potential.

Keywords: Alberto Melucci, Black Lives Matter, Digital Technologies, New Social Movements, Social Media.

Citation: Davari, Ali & Ghaffari, Mostafa. 2025. Examining the Role of Social Media in New Social Movements A Case Study of the Black Lives Matter Movement, Political and International Approaches, Summer, Vol 17, No 2, PP 111-131.



بررسی نقش رسانه‌های اجتماعی در جنبش‌های اجتماعی جدید مطالعه موردی: جنبش جان سیاهان مهم است

علی داوری^۱ و مصطفی غفاری^۲

DOI: [10.48308/pij.2025.239072.1662](https://doi.org/10.48308/pij.2025.239072.1662)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۲۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۳/۲۷

مقاله پژوهشی

چکیده مبسوط

مقدمه و اهداف: در چند دهه اخیر، رسانه‌های اجتماعی به‌عنوان نیروی محوری در شکل‌دهی به کنش جمعی و گفتمان عمومی ظهور کرده‌اند. در این بستر، جنبش‌های اجتماعی جدیدی پدیدار شده‌اند که بر خلاف اسلاف کلاسیک خود، بر فرهنگ، هویت و سازماندهی غیرمتمرکز تأکید دارند. نظریه جنبش‌های اجتماعی جدید از دیدگاه آلبرتو ملوچی، بر اهمیت هویت جمعی، کنش نمادین و ساختارهای مبتنی بر شبکه در بسیج افراد پیرامون اهداف مشترک تأکید می‌کند. یکی از برجسته‌ترین نمونه‌های معاصر، جنبش «جان سیاهان مهم است» است که در سال ۲۰۱۳، پس از ترئه جرج زیمرمن در ماجرای تیراندازی به تریوان مارتین شکل گرفت. این جنبش به‌سرعت از یک اعتراض محلی به پدیده‌ای جهانی بدل شد و در واکنش به نژادپرستی سازمان‌یافته و خشونت پلیس، حمایت گسترده‌ای را برانگیخت. این پژوهش در پی آن است که نقش رسانه‌های اجتماعی را در شکل‌دهی ویژگی‌ها و پویایی‌های جنبش جان سیاهان مهم است بر اساس چارچوب نظری ملوچی بررسی کند.

روش‌ها: این پژوهش از نظر نوع، نظری و از نظر رویکرد، توصیفی-تحلیلی است. داده‌های پژوهش از طریق روش اسنادی گردآوری شده‌اند و شامل مقالات علمی، بیانیه‌های رسمی جنبش «جان سیاهان مهم است»، پست‌های منتشرشده در رسانه‌های اجتماعی و تحلیل‌های ثانویه پژوهشگران حوزه جنبش‌های اجتماعی هستند. تحلیل داده‌ها بر اساس رویکرد تحلیل نظریه‌محور انجام شده است؛ بدین معنا که مفاهیم نظری از پیش موجود، به‌عنوان چارچوب مفهومی برای سازمان‌دهی و تفسیر داده‌ها به کار گرفته شده‌اند. چارچوب تحلیلی این پژوهش بر نظریه جنبش‌های اجتماعی جدید آلبرتو ملوچی مبتنی است که بر شاخص‌هایی در سه سطح ماهیت، ساختار و اهداف جنبش تأکید دارد. فرآیند تحلیل در چهار گام بازسازی چارچوب نظری ملوچی؛ گردآوری داده‌های مرتبط با

۱. دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. (نویسنده مسئول). davari.ali@ut.ac.ir

۲. استادیار گروه جامعه‌شناسی سیاسی، دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، ایران. mo.ghafari@isu.ac.ir



جنبش؛ تطبیق داده‌ها با شاخص‌های نظری؛ و تحلیل نقش رسانه‌های اجتماعی به‌عنوان متغیری مستقل در ارتباط با این شاخص‌ها انجام شده است.

یافته‌ها: نتایج نشان می‌دهد که جنبش «جان سیاهان مهم است» بسیاری از ویژگی‌های اصلی جنبش‌های اجتماعی جدید را که ملوچی مطرح می‌کند، در برمی‌گیرد. هویت جمعی این جنبش بر ارزش ذاتی جان سیاه‌پوستان متمرکز است و رسانه‌های اجتماعی این فرآیند را تسریع کرده‌اند. این سکوها به افراد اجازه می‌دهند تجربیات شخصی خود را به اشتراک بگذارند و از طریق هشتگ BlackLivesMatter به جنبش پیوندند که منجر به همبستگی گسترده‌ای در میان گروه‌های مختلف شده است. کنش‌های نمادین نیز مانند زانو زدن در هنگام سرود ملی و اعتراضات جهانی پس از مرگ جورج فلوید در این جنبش نقش اساسی داشتند. این اقدامات که از طریق رسانه‌های اجتماعی گسترش یافتند، به نمادهای جهانی مقاومت در برابر نژادپرستی و بی‌عدالتی سازمان‌یافته تبدیل شدند. همچنین، ساختار غیرمتمرکز و شبکه‌ای جنبش که به شاخه‌های محلی استقلال داد و کنشگری دیجیتال را بدون نیاز به عضویت رسمی امکان‌پذیر کرد، با الگوی ملوچی در مورد سازماندهی غیر سلسله‌مراتبی جنبش‌های اجتماعی جدید مطابقت دارد. باین‌حال، رسانه‌های اجتماعی چالش‌هایی را نیز ایجاد کرده‌اند که نیازمند بازنگری در نظریه ملوچی است. ساختار افقی این سکوها می‌تواند به پراکندگی پیام‌ها و فقدان انسجام در هویت جمعی منجر شود. سرعت بالای گفتگوهای آنلاین، علاوه بر افزایش دامنه اعتراضات، می‌تواند چرخه‌های کنشگری را تسریع کرده و منجر به فرسودگی فعالان شود. از سوی دیگر، وابستگی جنبش‌ها به سکوهای خصوصی مانند توییتر و فیسبوک، چالش‌هایی مانند سانسور، سوگیری الگوریتمی و مسائل مربوط به حریم خصوصی داده‌ها را مطرح می‌کند که در چارچوب اولیه ملوچی مورد توجه قرار نگرفته است.

نتیجه‌گیری: با ترکیب دیدگاه‌های ارائه‌شده در چارچوب ملوچی و واقعیت‌های جنبش جان سیاه‌پوستان مهم است، این مطالعه نشان می‌دهد که چگونه رسانه‌های اجتماعی می‌توانند هم‌زمان ویژگی‌های جنبش‌های اجتماعی جدید را تقویت کنند و آن‌ها را پیچیده سازند. از شکل‌گیری سریع هویت جمعی تا گسترش دستور کارهای میان‌بخشی، سکوهای دیجیتال بازتاب جهانی جنبش را پررنگ‌تر کرده‌اند. درعین‌حال، گستره و سرعت کنشگری آنلاین نیز نشان می‌دهد که مفاهیم اولیه ملوچی باید مجدداً بازنگری شوند. نتایج این تحقیق حاکی از آن است که پژوهش‌های آتی باید ایده‌های ملوچی را با در نظر گرفتن موضوعاتی مانند حکمرانی سکوها، تقویت الگوریتمی و فرسودگی کنشگری در محیط‌های برخاسته از تطبیق دهند. با به‌روزرسانی الگوهای نظری موجود، پژوهشگران می‌توانند فرآیندهای پویایی را که در شکل‌گیری جنبش‌های اجتماعی قرن بیست‌ویکم و ظرفیت دگرگون‌ساز آن‌ها نقش دارد، بهتر تحلیل کنند.

واژگان کلیدی: آلبرتو ملوچی، جان سیاهان مهم است، جنبش‌های اجتماعی جدید، رسانه‌های اجتماعی، فناوری‌های دیجیتال.

استناددهی: داوری، علی و غفاری، مصطفی. ۱۴۰۴. بررسی نقش رسانه‌های اجتماعی در جنبش‌های اجتماعی جدید مطالعه موردی: جنبش جان سیاهان مهم است، رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، تابستان، سال ۱۷، شماره ۲، ۱۳۱-۱۱۱.

۱. مقدمه

جنبش «جان سیاهان مهم است»^۱ یکی از مهم‌ترین تحولات کنشگری اجتماعی در دوران معاصر است که تحت‌تأثیر گسترده رسانه‌های اجتماعی شکل گرفته و تکامل یافته است. این جنبش در سال ۲۰۱۳، در واکنش به تیرۀ جورج زیمرمن در ماجرای تیراندازی مرگبار به تریوان مارتین، نوجوان سیاه‌پوست غیرمسلح، به وجود آمد. هشتگ BlackLivesMatter که توسط فعالانی مانند آلیشیا گارزا، پاتریس کالرز و اوپال تومتی ابداع شد، به سرعت در فضای دیجیتال گسترش یافت و به نمادی برای اعتراض علیه نژادپرستی سازمان‌یافته و خشونت پلیس تبدیل شد. رسانه‌های اجتماعی نقشی کلیدی در تبدیل این اعتراض محلی به یک جنبش جهانی داشتند و بر شیوه‌های سازماندهی، بسیج و عملکرد آن به‌عنوان یک جنبش اجتماعی جدید تأثیر بسزایی گذاشتند.

چارچوب نظری این پژوهش بر نظریه جنبش‌های اجتماعی جدید^۲ آلبرتو ملوچی استوار است. این نظریه جنبش‌های اجتماعی جدید را بر اساس عناصری مانند هویت جمعی، کنش‌های نمادین، ساختارهای غیرمتمرکز، بازتابندگی و چالش‌گری فرهنگی تحلیل می‌کند. ملوچی استدلال می‌کند که این جنبش‌ها برخلاف جنبش‌های سنتی که بیشتر بر خواسته‌های اقتصادی و سیاسی متمرکز بودند، بر موضوعات هویتی و فرهنگی تأکید دارند و از ساختارهای غیر سلسله‌مراتبی برای سازماندهی استفاده می‌کنند. جنبش جان سیاهان مهم است، با تکیه بر شبکه‌های اجتماعی دیجیتال، بسیاری از این ویژگی‌ها را داراست. باین‌حال، ظهور رسانه‌های اجتماعی، متغیرهای جدیدی را به معادله جنبش‌های اجتماعی افزوده که هم با نظریه ملوچی همخوانی دارند و هم محدودیت‌های آن را آشکار می‌کنند. این مسئله نشان می‌دهد که برای درک بهتر جنبش‌های اجتماعی در عصر دیجیتال، ممکن است نیاز به بازبینی و توسعه مفاهیم ارائه‌شده توسط ملوچی باشد.

اگرچه پژوهش‌های متعددی در مورد جنبش‌های اجتماعی و تأثیر فناوری‌های دیجیتال بر آن‌ها انجام شده، اما در خصوص پیوند نظری جنبش‌های اجتماعی جدید با چارچوب ملوچی هنوز کاستی‌هایی وجود دارد. جنبش مذکور با اتکای گسترده بر رسانه‌های اجتماعی، مطالعه موردی مناسبی برای تحلیل این پیوند فراهم می‌کند. این جنبش پرسش‌های مهمی را در مورد تأثیر فناوری‌های دیجیتال بر سرعت شکل‌گیری هویت جمعی، نقش رسانه‌های اجتماعی در تقویت کنش‌های نمادین، سازماندهی غیرمتمرکز و تقویت بازتابندگی مطرح می‌سازد.

در این راستا، پژوهش حاضر به بررسی این مسئله می‌پردازد که رسانه‌های اجتماعی چگونه در شکل‌گیری و تحول نظریه جنبش‌های اجتماعی جدید نقش داشته‌اند و آیا نظریه ملوچی قادر به توضیح پیچیدگی‌های ناشی از رسانه‌های اجتماعی در این جنبش‌ها هست یا خیر. مطالعه جنبش جان سیاهان مهم است از این منظر اهمیت دارد که این جنبش نشان می‌دهد که چگونه سکوهای دیجیتال امکان بسیج سریع، دسترسی جهانی و تسهیل هویت جمعی را فراهم می‌کنند. از سوی دیگر،

1. Black Lives Matter (BLM)

2. New social movement (NSMs)

رسانه‌های اجتماعی، علاوه بر فرصت‌ها، چالش‌هایی مانند پراکندگی پیام‌ها، فرسودگی کنشگران و کنترل اطلاعات توسط شرکت‌های خصوصی را نیز به همراه دارند که می‌تواند بر انسجام هویت جمعی و سازماندهی جنبش تأثیر بگذارد.

بنابراین، هدف پژوهش حاضر بررسی نقش رسانه‌های اجتماعی در شکل‌دهی و توسعه جنبش‌های اجتماعی جدید و ارزیابی میزان انطباق، بازخوانی و توسعه نظریه جنبش‌های اجتماعی جدید آلبرتو ملوچی از طریق مطالعه موردی این جنبش است. پرسش اصلی این تحقیق آن است که رسانه‌های اجتماعی چه تأثیری بر جنبش‌های اجتماعی جدید با تأکید بر نظریه ملوچی داشته‌اند؟ در این راستا، سه سؤال فرعی نیز مطرح می‌شود. اول، جنبش‌های اجتماعی جدید چه ویژگی‌هایی دارند و چگونه از نظریه‌های کلاسیک متمایز می‌شوند؟ دوم، نظریه جنبش‌های اجتماعی جدید آلبرتو ملوچی چه شاخص‌هایی دارد؟ سوم، آیا جنبش جان سیاهان مهم است^۱ را می‌توان به‌مثابه یک جنبش اجتماعی جدید تعریف کرد و اگر چنین است، رسانه‌های اجتماعی چگونه در شکل‌گیری آن نقش ایفا کرده‌اند؟

۲. پیشینه تحقیق

بر اساس بررسی‌های انجام شده، تاکنون موضوع این پژوهش به زبان فارسی مورد واکاوی قرار نگرفته است. البته مصفا و نظیف پور (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان «تأثیر جنبش «جان سیاه‌پوستان اهمیت دارد» بر رویکرد بین‌المللی دولت آمریکا در زمینه حقوق بشر»، به تأثیرات این جنبش در به‌کارگیری سیاست‌های متفاوت بخش‌هایی از دولت آمریکا در زمینه حقوق بشر پرداختند. به‌علاوه، آرزو راستین (۱۴۰۰) در پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد خود با عنوان «حقوق اقلیت‌ها در آمریکا؛ مطالعه موردی: جنبش اخیر سیاهان»، با رویکردی حقوقی به بررسی مسائل سیاه‌پوستان آمریکا از زاویه حقوق بشر و حقوق انسانی که در گستره بین‌المللی به رسمیت شناخته شده است، پرداخته است. بر اساس پژوهش‌هایی که در زبان فارسی به آن‌ها اشاره شد، باید گفت بررسی جنبش «جان سیاهان...»، از زاویه مطالعات جامعه‌شناسی سیاسی و جنبش‌های اجتماعی جدید آن هم با تمرکز بر نقش رسانه‌های اجتماعی انجام پذیرفته است. بنابراین، پژوهش حاضر که به زبان فارسی منتشر می‌شود، از این جهت دارای نوآوری پژوهشی است.

جنبش «جان سیاهان...» به‌واسطه خاستگاه آمریکایی خود و گستردگی جهانی‌اش، به‌ویژه در کشورهای انگلیسی‌زبان، موضوع مطالعات متعددی در زمینه ارتباطات، جامعه‌شناسی، سیاست و مطالعات فرهنگی قرار گرفته است. یکی از رویکردهای غالب در این حوزه، تمرکز بر نقش رسانه‌های اجتماعی در ظهور و گسترش جنبش بوده است. بونیلا و ژزا (۲۰۱۵) در مطالعه‌ای مردم‌نگارانه، نشان می‌دهند که چگونه هشتگ‌هایی مانند Ferguson و BlackLivesMatter به ابزاری مؤثر برای اعتراض دیجیتال و به چالش کشیدن نژادپرستی ساختاری تبدیل شدند. آنان رسانه‌های اجتماعی را بستری

۱. از این قسمت تا انتهای پژوهش به جهت رعایت اختصار و جلوگیری از ملال‌انگیز شدن متن، از جنبش «جان سیاهان مهم است» به جنبش «جان سیاهان...» تعبیر می‌کنیم.

برای خلق فضای گفت‌وگوی سیاسی نوین در دل تجربه زیسته سیاهان معرفی می‌کنند. در ادامه این رویکرد، فریلون و همکاران (۲۰۱۶) با تحلیل داده‌های توییتر در رویدادهای کلیدی، پیوند میان کنش برخط و مشارکت خیابانی را بررسی کرده و نقش رسانه‌ها را در تقویت بسیج جمعی و همبستگی دیجیتال برجسته ساخته‌اند. ریکفورد (۲۰۱۶) نیز به ساختار شبکه‌محور جنبش پرداخته و تأکید کرده که جنبش «جان سیاهان...» به‌مثابه یک جنبش بدون رهبری متمرکز، توانسته است با اتکا بر رسانه‌های اجتماعی، کنش‌گری را از الگوهای سنتی قدرت فاصله دهد. براون و همکاران (۲۰۱۷) در بررسی پویش SayHerName، ابعاد تقاطعی جنبش را به‌ویژه با تمرکز بر تجربه خاص زنان سیاه‌پوست و چگونگی بیان آن در بستر دیجیتال برجسته ساخته‌اند. جوست و دیگران (۲۰۱۸) از منظر روان‌شناسی سیاسی نشان داده‌اند که شبکه‌های اجتماعی چگونه انگیزه، اطلاعات و احساس تعلق را برای مشارکت سیاسی تولید و تسهیل می‌کنند.

مطالعاتی مانند تیلور (۲۰۱۶) و رنسی (۲۰۱۸) تلاش کرده‌اند ریشه‌های سیاسی و تاریخی این جنبش را با تحولات معاصر پیوند دهند و از سوی دیگر، پژوهش‌هایی مانند توفکچی (۲۰۱۷) و جکسون و همکاران (۲۰۲۰) ظرفیت‌ها و ضعف‌های کنشگری دیجیتال در سکوهاى خصوصی را بررسی کرده‌اند. توفکچی، ضمن تحسین سرعت بسیج دیجیتال، نسبت به سطحی‌گرایی و دشواری حفظ انسجام بلندمدت هشدار می‌دهد. گارزا (۲۰۲۰)، به‌عنوان یکی از بنیان‌گذاران جنبش، ضمن تأکید بر اهمیت روایت‌سازی مستقل، محدودیت‌های ناشی از اتکای افراطی به سکوهاى تجاری را یادآور می‌شود. ریچاردسون (۲۰۲۰) نیز نقش تلفن‌های هوشمند در ثبت، روایت و بازنمایی بی‌عدالتی نژادی را بررسی کرده و بر تحول در روزنامه‌نگاری اعتراضی تمرکز داشته است.

با وجود این پیشینه پژوهشی گسترده، اغلب این مطالعات دارای سه ویژگی‌اند: اول، عمدتاً توصیفی‌اند و فاقد بنیان نظری منسجم در سنت جامعه‌شناسی جنبش‌های اجتماعی هستند؛ دوم، بیشتر بر نقش کارکردی رسانه‌های اجتماعی متمرکز شده‌اند، نه بر پویایی نظری مفاهیمی چون هویت جمعی، کنش نمادین یا ساختار شبکه‌ای؛ سوم، از نظریه‌های کلاسیک یا مدرن در این حوزه، به‌ویژه نظریه آلبرتو ملوچی، بهره‌ای نمی‌برند یا استفاده آن‌ها سطحی و ضمنی است.

پژوهش حاضر با تمرکز بر نظریه جنبش‌های اجتماعی جدید ملوچی و تطبیق تحلیلی شاخص‌های آن بر جنبش «جان سیاهان...»، کوشیده خلأهای یادشده را برطرف کند. این مقاله از طریق سنجش ده شاخص کلیدی نظریه ملوچی در سطوح ماهیت، ساختار و اهداف، تلاش کرده تا ظرفیت‌ها و ناکارآمدی‌های این چارچوب نظری در عصر دیجیتال را نشان دهد. همچنین، با تأکید بر تأثیر سکوهاى دیجیتال در شکل‌گیری هویت جمعی، سازماندهی غیرمتمرکز و بازتاب‌پذیری جنبش، به ضرورت بازاندیشی نظریه‌های سنتی در پرتو تحولات فناورانه معاصر اشاره دارد، امری که پیش‌تر کمتر مورد توجه پژوهشگران این حوزه قرار گرفته است.

۳. چارچوب نظری

در دو دهه گذشته و به طور مشخص تا قبل از آغاز قرن بیست و یک میلادی، نظریه بسیج منابع^۱ چارچوب غالبی برای مطالعه کنش جمعی^۲ با تمرکز بر بازیگران عاقلی که از سازمان‌های رسمی برای تأمین منابع جهت بسیج اجتماعی استفاده می‌کردند، رواج داشته است. با این حال، کاربرد این نظریه مسلط، برای تحلیل همه انواع جنبش‌های اجتماعی مورد تردید قرار گرفت. در همین راستا، جایگزین‌های نظری تازه‌ای ایجاد شد که یکی از آن‌ها، نظریه جنبش‌های اجتماعی جدید است که از زمینه نظریه اجتماعی و فلسفه سیاسی قاره‌ای اروپا پدید آمد و به عنوان پاسخی برای محدودیت‌های مارکسیسم کلاسیک در تحلیل کنش جمعی معاصر، مطرح شد. تقلیل‌گرایی اقتصادی مارکسیسم کلاسیک، فرض را بر آن می‌گرفت که تمام اقدامات سیاسی مهم از منطق اقتصادی شیوه تولید سرمایه‌دارانه ناشی می‌شود.

در همین جهت، مارکسیسم کلاسیک بر اساس نوعی جبری‌انگاری طبقاتی، فرض را بر آن می‌گرفت که روابط طبقاتی در تولید، مهم‌ترین بازیگران اجتماعی را تعریف می‌کند. چنین ادبیات جبرانگاران‌های، اشکال دیگر اعتراض اجتماعی را که لزوماً ریشه‌ای در انقلاب‌های کارگری نداشتند یا در حاشیه قرار می‌داد و یا آن‌ها را فاقد اهمیت می‌دانست. در مقابل، نظریه‌پردازان جنبش‌های اجتماعی جدید استدلال می‌کردند که کنش جمعی معاصر، در فرهنگ ریشه دارند و هویت‌های مبتنی بر قومیت، نژاد، جنسیت، زیست دینی، محیط‌زیست، و رفتار جنسی، نقش‌های حیاتی در تعریف هویت جمعی ایفا می‌کنند. بنابراین، اصطلاح جنبش‌های اجتماعی جدید به مجموعه‌ای متنوع از کنش‌های جمعی اشاره دارد که دیگر صرفاً بر تمرکزهای تقلیل‌گرایانه مبتنی بر زیربنا بودن اقتصاد و نتایج حاصل از آن تأکید ندارد. این جنبش‌ها بر کنش جمعی نمادین در جامعه مدنی و حوزه فرهنگ در کنار اقدام عملی در حوزه سیاسی تأکید دارند. عموم نظریه‌پردازان حوزه جنبش‌های اجتماعی جدید، بر مضامین کلیدی زیر اشتراک نظر دارند:

۱. برجسته کردن کنش نمادین به عنوان عرصه اصلی برای کنش جمعی؛
۲. تأکید بر اهمیت فرایندهایی که بر خودمختاری و خودگردانی نسبت به راهبردهایی که صرفاً هدفشان افزایش قدرت است؛
۳. توجه به نقش ارزش‌های پسمادی^۳ نسبت به تضادهای منابع مادی؛
۴. مشکل‌سازی برای روند شکننده ساخت هویت‌های جمعی و منافع گروهی با اعتقاد به این که آن‌ها از نظر ساختاری از پیش تعیین شده نیستند؛
۵. تشخیص ماهیت اجتماعی برقرار شده از جانب نارضایتی‌ها و ایدئولوژی‌ها؛
۶. تأکید بر نقش شبکه‌های سیال، پنهان و موقتی در حمایت از کنش جمعی، به جای تکیه صرف بر سازمان‌های متمرکز (Buechler, 1995: 441-447).

1. Resource mobilization theory
2. Collective action
3. Postmaterialist values

بر اساس آنچه که اشاره شد، ادبیات جنبش‌های اجتماعی، با آغاز قرن بیست و یک میلادی، رفته‌رفته با یک گذار پارادایمی قابل توجه روبه‌رو شد (Offe, 1985: 825-832). نظریه‌پردازان بزرگی مانند یورگن هابرماس، آلن تورن، مانوئل کاستلز، کلاوس اوفه، نانسی فریزر و آلبرتو ملوچی از برجسته‌ترین متفکران حوزه نظری جنبش‌های اجتماعی جدید هستند. در این پژوهش، بر روی نظریه آلبرتو ملوچی پیرامون چستی و چگونگی جنبش‌های اجتماعی جدید تمرکز خواهد شد. آلبرتو ملوچی در میان این اندیشمندان، به دلیل تأثیر عمیقش بر درک جنبش‌های اجتماعی جدید برجسته است. وی به دلایل خاصی از جهاتی بیشتر از سایر نظریه‌پردازان این حوزه می‌تواند مورد توجه قرار گیرد:

۱. پیش‌گام مفهوم هویت جمعی^۱: او ایده مرکزی بودن هویت جمعی در جنبش‌های اجتماعی جدید را معرفی کرد. برخلاف جنبش‌های کلاسیک که متمرکز بر دستاوردهای مادی بودند، ملوچی بر نحوه ساخت معناها و مشترک و هویت در میان شرکت‌کنندگان تأکید کرد؛
 ۲. تأکید بر کنش نمادین^۲: وی بر این نکته تأکید کرد که جنبش‌های اجتماعی جدید با کنش‌های نمادینی که قانون‌ها و هنجارهای فرهنگی را به چالش می‌کشند، در حوزه جامعه مدنی عمل می‌کنند و دیگر صرفاً اهدافی همچون تغییرات بنیادین سیاسی یا اقتصادی را دنبال نمی‌کنند؛
 ۳. تمرکز بر شبکه‌ها و ساختارهای سیال: او اهمیت شبکه‌های غیرمتمرکز، روابط غیررسمی و ماهیت سیال جنبش‌های جدید را در وضعیتی پیش از موعد تشخیص داد که امروز با گذشت حدود سه دهه از طرح آن مباحث توسط ملوچی، اهمیت آن‌ها را به شکل ملموسی در عصر دیجیتال لمس می‌کنیم.
 ۴. ریشه‌های فرهنگی و ایدئولوژیک: ملوچی در مورد اینکه چگونه جنبش‌های معاصر در مبارزات فرهنگی و ایدئولوژیک ریشه دارند، با پرداختن به مسائلی مانند محیط‌زیست‌گرایی، جنسیت و حقوق بشر، به شرح و بسط ماهیت و خاستگاه‌های بنیادین جنبش‌های اجتماعی جدید پرداخت (Melucci, 1996: 1-10).
- رویکرد جامع ملوچی درک ظریفی از نحوه تفاوت کنش جمعی مبتنی بر جنبش‌های اجتماعی جدید از جنبش‌های کلاسیک با تمرکز بر شکل‌گیری هویت، نمادگرایی فرهنگی و ساختارهای شبکه‌ای ارائه داد. این امر دستاوردهای او را به‌صورت ویژه تأثیرگذار می‌کند و به نظر می‌رسد وی در زمانه خود، دیدگاه‌های توسعه‌یافته و جامع‌تری از سایر اندیشمندان برجسته در زمینه مورد بحث داشته است. به همین دلیل، چارچوب‌های نظری او به‌صورت گسترده مورد استفاده قرار گرفته و در تحقیقات مرتبط با جنبش اجتماعی گسترش یافته است. دیدگاه‌ها و یافته‌های ملوچی بر نحوه تحلیل محققان پیرامون شکل‌گیری، سازوکارها و تأثیر جنبش‌های اجتماعی جدید تأثیر به‌سزایی گذاشته است.

1. Collective Identity
2. Symbolic Action

بر اساس کتاب به مبارزه طلبیدن سنت‌ها (هنجارها): کنش جمعی در عصر اطلاعات^۱ که توسط آلبرتو ملوچی در سال ۱۹۹۶ چاپ شده، می‌توان به ده شاخص متمایزکننده جنبش‌های اجتماعی جدید نسبت به جنبش‌های کلاسیک اشاره کرد. برای دسته‌بندی مناسب‌تر، این شاخص‌ها در سه سطح ماهیت، چگونگی سازمان‌دهی و اهداف جنبش‌های اجتماعی جدید مورد بحث قرار خواهند گرفت.

اول. از جهت ماهیت: سه شاخص چالش‌گری فرهنگی و کنش‌های نمادین، تمرکز بر خودمختاری و خودشکوفایی و در نهایت تأکید بر زندگی روزمره و تجربه شخصی از ویژگی‌های ماهوی جنبش‌های اجتماعی جدید هستند.

الف. کنش نمادین و چالش‌گری فرهنگی: جنبش‌های جدید کنش‌های نمادینی را به کار می‌گیرند که هدف آن‌ها چالش‌گری و تحول سنت‌های فرهنگی غالب و هنجارهای اجتماعی موجود در جامعه است. ملوچی استدلال می‌کند که این جنبش‌ها در حوزه جامعه مدنی و حوزه فرهنگی فعالیت می‌کنند و صرفاً بر تغییر سیاسی یا اقتصادی تمرکز ندارند. با استفاده از نمادها، روایت‌ها و فعالیت‌های در مجموع نمادین، جنبش‌های اجتماعی جدید به دنبال افزایش آگاهی و برانگیختن تأمل در مورد مسائل جدیدی مانند تخریب محیط‌زیست، برابری جنسیتی یا حقوق بشر هستند. این کنش‌های نمادین به عنوان اعمال ارتباطی عمل می‌کنند که معانی تثبیت شده را زیر سؤال می‌برند و جوامع را تشویق می‌کنند تا درباره ساختارها و روابط موجود بازاندیشی کنند (Meluc-ci, 1996: 89-91).

ب. تمرکز بر خودمختاری و خودشکوفایی: جنبش‌های جدید، خودمختاری، خودگردانی و خودشکوفایی شخصی را به عنوان ارزش‌های اصلی اولویت‌بندی می‌کنند. شرکت‌کنندگان با تمایل به اعمال کنترل بر زندگی خود و مقاومت در برابر تحمیل خارجی، بر هویت‌ها و شیوه‌های زندگی خاص خود تأکید می‌کنند. ملوچی بر این نکته توجه دارد که این جنبش‌ها به دنبال ایجاد فضاهایی هستند که افراد بتوانند آزادانه خود را بیان کنند و خودشکوفایی را دنبال کنند. این تمرکز بر خودمختاری شخصی و جمعی با انتقادات گسترده‌تر از ساختارهای اجتماعی که آزادی‌های فردی را محدود می‌کنند، مرتبط است. با طرفداری از خودشکوفایی، این جنبش‌های جدید نظام‌های محدودکننده را به چالش می‌کشند و شیوه‌های جایگزین زندگی را ترویج می‌دهند که در نتیجه آن خودشکوفایی انسانی را بر الزامات نهادی اولویت می‌دهند (Melucci, 1996: 133-140).

پ. تأکید بر زندگی روزمره و تجربه شخصی: ملوچی تأکید می‌کند که جنبش‌های جدید بر تحول زندگی روزمره و تجربیات شخصی تمرکز دارند. آن‌ها به مسائلی می‌پردازند که به طور مستقیم به زندگی روزمره افراد مانند رفتارهای زیست‌محیطی، عادات مصرف یا روابط بین فردی تأثیر می‌گذارند. با برجسته کردن چگونگی ارتباط با انتخاب‌ها و رفتارهای شخصی با مشکلات گسترده‌تر اجتماعی، جنبش‌های جدید افراد را تشویق می‌کنند تا در زمینه اجتماعی خود عامل تغییر شوند (Melucci, 1996: 145-157).

دوم. از جهت چگونگی سازمان‌دهی: پنج شاخص شکل‌گیری هویت جمعی، ساختارهای غیرمتمرکز و مبتنی بر شبکه، بازتابندگی و خود محدودسازی، شبکه‌های سیال و فعالیت‌های پنهان و در نهایت سیالیت زمانی و کنش‌های دوره‌ای از ویژگی‌های مبتنی بر چگونگی سازمان‌دهی جنبش‌های اجتماعی جدید هستند.

الف. شکل‌گیری هویت جمعی: ملوچی تأکید می‌کند که جنبش‌های اجتماعی جدید عمیقاً در شکل‌گیری امکان هویت جمعی بین شرکت‌کنندگان ریشه دارند. برخلاف جنبش‌های سنتی که ممکن است بر دسته‌های اجتماعی از پیش تعریف شده مانند طبقه یا شغل متکی باشند، جنبش‌های اجتماعی جدید به طور فعال یک حس مشترک از ما بودن را از طریق تعاملات و ارتباطات مستمر ایجاد می‌کنند. این هویت جمعی ثابت نیست؛ بلکه یک فرایند پویا است که افراد در آن هویت‌ها و حتی برخی خواسته‌های شخصی خود را با اهداف جنبش هماهنگ می‌کنند. در واقع، این هویت جمعی به‌عنوان یک نیروی انگیزشی عمل می‌کند که افراد متنوع را پیرامون ارزش‌ها و آرزوه‌های مشترک متحد کرده و همبستگی و تعهد به کنش جمعی را تقویت می‌کند (Melucci, 1996: 70-76).

ب. ساختارهای غیرمتمرکز و مبتنی بر شبکه: جنبش‌های اجتماعی جدید با صورت‌های سازمانی غیرمتمرکز مشخص می‌شوند که به‌جای ساختارهای سلسله‌مراتبی بر شبکه‌های سیال اجتماعی تکیه دارند. این جنبش‌ها اغلب فاقد رهبری رسمی هستند و در عوض ارتباطات افقی بین شرکت‌کنندگان را تقویت می‌کنند. این ساختار بر پایه شبکه، انعطاف‌پذیری و انطباق‌پذیری بیشتری را امکان‌پذیر می‌کند و به جنبش اجازه می‌دهد تا به‌سرعت به شرایط متغیر پاسخ دهد. همچنین مشارکت گسترده را تشویق می‌کند؛ زیرا افراد می‌توانند بدون محدودیت‌های دستورالعمل‌های سازمانی سخت‌گیرانه، در سطوح مختلف مشارکت کنند. این رویکرد غیرمتمرکز، بازتابگر تأکید جنبش‌ها بر خودمختاری و مشارکت مردمی است (Melucci, 1996: 111-113).

پ. بازتابندگی و خود محدودسازی^۱: این جنبش‌ها دارای درجه بالایی از بازتابندگی هستند، به این معنی که خودآگاه هستند و به‌صورت انتقادی، کنش‌ها، راهبردها و تأثیرات خود را بررسی می‌کنند. شرکت‌کنندگان به طور مداوم در مورد اهداف، روش‌ها و زمینه اجتماعی گسترده‌تر جنبش تأمل می‌کنند. این بازتابندگی منجر به یک عمل خود محدودساز می‌شود، جایی که جنبش‌ها آگاهانه از جستجوی قدرت اجتناب می‌کنند. در واقع، به‌جای تلاش برای تسلط یا نهادینه‌شدن، آن‌ها بر مسائل خاصی تمرکز می‌کنند و پیچیدگی‌های تغییر اجتماعی را تشخیص می‌دهند. این رویکرد به جنبش‌های جدید اجازه می‌دهد تا در برگیرنده، پویا و پاسخگو به هر دو بازخورد داخلی و تحولات اجتماعی خارجی باشند (Melucci, 1996: 158-160).

ت. شبکه‌های سیال و فعالیت‌های پنهان: این جنبش‌های جدید، اغلب از طریق شبکه‌های سیال عمل می‌کنند که همیشه قابل مشاهده یا به طور عمومی شناخته شده نیستند.

این شبکه‌ها از روابط غیررسمی، گروه‌های کوچک و ارتباطات شخصی شده تشکیل شده‌اند که فعالیت‌های پشت پرده جنبش را حفظ می‌کنند. ملوچی اشاره می‌کند که بخش زیادی از کار جنبش‌های جدید در سطح خرد، از طریق تعاملات روزمره و فعالیت‌های پنهان انجام می‌شود که زمینه را برای بسیج فراهم می‌کنند. این شبکه‌های سیال، پایه و اساس کنش جمعی سریع را در زمان ظهور فرصت‌ها فراهم می‌کنند و به حفظ انسجام و انعطاف‌پذیری جنبش در طول زمان، حتی زمانی که به‌صورت آشکار در میان مردم وجود ندارند، کمک می‌کنند (Melucci, 1996: 114-117).

ث. سیالیت زمانی و کنش‌های دوره‌ای: جنبش‌های جدید سیالیت زمانی را نشان می‌دهند که با دوره‌هایی از فعالیت شدید به دنبال مرحله‌های ملایم‌تر مشخص می‌شوند. ممکن است این جنبش‌ها دائماً در معرض دید عموم نباشند، اما می‌توانند به‌سرعت در پاسخ به رویدادها یا محرک‌های خاص بسیج شوند. این کنش دوره‌ای، توسط ساختارهای شبکه‌ای و فعالیت‌های پنهان آن‌ها تسهیل می‌شود و به آن‌ها اجازه می‌دهد تا تعامل بین شرکت‌کنندگان را در طول زمان حفظ کنند. ماهیت سیال جنبش‌های اجتماعی جدید به آن‌ها امکان می‌دهد تا با زمینه‌های متغیر سازگار شوند، از فرصت‌های نوظهور بهره‌برداری کنند و به‌رغم نوسانات در افکار عمومی و حمایت‌های مرتبط با آن، استمرار داشته باشند (Melucci, 1996: 85-87).

سوم. از جهت اهداف: دو شاخص مقاومت در برابر نهادینه‌شدن و اهداف و مسائل چندبعدی و چندسطحی به جهت مقابله با اشکال مختلف سلطه از اهداف جنبش‌های اجتماعی جدید هستند.

الف. مقاومت در برابر نهادینه‌شدن: بر اساس نظریه ملوچی، جنبش‌های اجتماعی جدید اغلب در برابر نهادینه‌شدن یا جذب‌شدن توسط سیستم‌های سیاسی رسمی مقاومت می‌کنند. وی استدلال می‌کند که این جنبش‌ها یک موضع انتقادی نسبت به نهادهای تثبیت شده را حفظ می‌کنند و از ادغام در ساختارهای قدرت موجود اجتناب می‌کنند. این مقاومت بخشی از راهبرد آن‌ها برای حفظ خودمختاری و جلوگیری از رقیق‌شدن ارزش‌ها و اهداف اصلی آن‌ها است. با ماندن در خارج از چارچوب‌های نهادی سنتی، جنبش‌های جدید می‌توانند همچنان وضعیت موجود را به چالش کشیده و چشم‌اندازهای جایگزین برای جامعه را بدون به خطر انداختن اصول خود ترویج کنند (Melucci, 1996: 104-106).

ب. اهداف و مسائل چندبعدی: برخلاف جنبش‌های کلاسیک که ممکن است بر یک موضوع یا هدف واحد تمرکز کنند، جنبش‌های جدید بر طیف وسیعی از اهداف تمرکز می‌کنند. ملوچی خاطرنشان می‌کند که این جنبش‌ها پیچیدگی مشکلات اجتماعی را تشخیص داده و یک رویکرد جامع اتخاذ می‌کنند. آن‌ها اغلب مسائل زیست‌محیطی را با عدالت اجتماعی و حقوق بشر را با تنوع فرهنگی مرتبط می‌کنند و از تغییر نظام‌مند در حوزه‌های مختلف طرفداری می‌کنند. این تمرکز چندبعدی بازتابگر درکی است که بر اساس آن، اشکال مختلف سلطه و نابرابری با هم مرتبط هستند و برای دستیابی به یک پیشرفت معنادار، باید به‌صورت کلی مورد انتقاد قرار بگیرند (Melucci, 1996: 176-178).

نمودار شماره (۱): شاخص‌های جنبش‌های اجتماعی جدید از دیدگاه آلبرتو ملوچی



(طراحی شده توسط نویسندگان)

۴. روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر نوع، یک پژوهش نظری و از نظر رویکرد، توصیفی – تحلیلی است. داده‌های پژوهش از طریق روش اسنادی گردآوری شده‌اند و تحلیل آن‌ها بر اساس رویکرد تحلیل نظریه‌محور^۱ انجام گرفته است. در این رویکرد، مفاهیم و چارچوب‌های نظری از پیش موجود، پایه تحلیل داده‌ها قرار می‌گیرند.

1. Theory-Driven Analysis

به این معنا که پژوهشگر با اتکا به نظریه یا مفاهیم از قبل تعریف‌شده، داده‌های موجود را سازمان‌دهی و تفسیر می‌کند. این نوع تحلیل، برخلاف تحلیل استقرایی، هدفی تأییدی دارد و به آزمون و بسط نظریه در زمینه‌ای جدید می‌پردازد (Patton, 2015: 793-794). به عبارتی، نظریه به‌عنوان مبنا و ابزار تحلیل به کار می‌رود و هدف پژوهش، ارزیابی توانایی نظریه در توضیح یک مورد خاص یا بررسی انطباق تجربی یک پدیده با چارچوب نظری است (Fereday & Muir-Cochrane, 2006: 82).

در این مقاله، نظریه جنبش‌های اجتماعی جدید آلبرتو ملوچی به‌عنوان چارچوب مفهومی تحلیل انتخاب شده و شاخص‌های اصلی آن در سه سطح ماهیت، ساختار و اهداف، به‌عنوان معیار تحلیل داده‌ها به کار رفته‌اند. فرایند پژوهش در چهار گام اصلی انجام شده است:

گام اول. بازسازی نظری چارچوب ملوچی: با مطالعه آثار اصلی آلبرتو ملوچی، به‌ویژه کتاب به مبارزه طلبیدن سنت‌ها (هنجارها)، شاخص‌های کلیدی نظریه جنبش‌های اجتماعی جدید در سه سطح یادشده استخراج و صورت‌بندی شده است.

گام دوم. گردآوری اسناد: اسناد مربوط به مطالعه موردی یعنی جنبش «جان سیاهان مهم است» از منابع گوناگون شامل مقالات علمی، گزارش‌های رسمی، تحلیل‌های رسانه‌ای، اظهارات فعالان جنبش، پست‌های شبکه‌های اجتماعی و اسناد ثانویه انتخاب شده‌اند. معیار انتخاب داده‌ها، هم‌راستایی مفهومی آن‌ها با شاخص‌های نظری و تنوع منابع اطلاعاتی بوده است.

گام سوم. در این مرحله، داده‌های گردآوری‌شده درباره جنبش «جان سیاهان مهم است» با شاخص‌های نظریه جنبش‌های اجتماعی جدید از منظر آلبرتو ملوچی به‌صورت تطبیقی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. تحلیل به‌صورت مفهومی و از طریق مقایسه مستقیم محتوای متون، شواهد، روایت‌ها و گزارش‌ها با مؤلفه‌های نظری استخراج‌شده از ملوچی انجام شده است.

گام چهارم. تحلیل نقش رسانه‌های اجتماعی: رسانه‌های اجتماعی به‌عنوان متغیری مستقل در نحوه شکل‌گیری و پویایی شاخص‌های ملوچی در این جنبش تحلیل شده‌اند. در این مرحله، تلاش شده است مشخص شود که رسانه‌های اجتماعی چگونه بر فرآیندهای هویت‌سازی، سازمان‌دهی و کنش نمادین تأثیرگذار بوده‌اند و تا چه میزان چارچوب نظری ملوچی در تبیین این پدیده مؤثر است یا نیازمند بازنگری است.

این روش‌شناسی، امکان سنجش قابلیت‌های نظریه ملوچی را در تبیین تحولات اجتماعی مرتبط با جنبش‌های نوین دیجیتال فراهم می‌آورد و در عین حال، امکان شناسایی شکاف‌ها یا چالش‌های نظری آن را نیز ممکن می‌سازد.

۵. تطبیق شاخص‌های ملوچی بر جنبش با تأکید بر نقش رسانه‌های اجتماعی

۵-۱. شکل‌گیری هویت جمعی

رسانه‌های اجتماعی در شکل‌گیری و تقویت هویت جمعی این جنبش نقش اساسی داشتند. سکوهایی مانند توییتر، فیسبوک و اینستاگرام به افراد مختلف در سراسر جهان اجازه دادند تا در جنبش شرکت

کنند و از مرزهای جغرافیایی فراتر روند. هشتگ BlackLivesMatter به‌عنوان یک نقطه تجمع دیجیتال عمل کرد و به کاربران امکان داد تا داستان‌ها و تجارب شخصی مرتبط با موضوع جنبش را به اشتراک بگذارند، همبستگی خود را ابراز کنند و در گفتگوهای انتقادی پیرامون ساختارهای سلطه موجود مشارکت کنند. فیلم‌های اعتراضات یا برخوردهای خشونت‌آمیز پلیس به شکل ویروسی انتشار یافته و احساسات عمومی را برانگیختند. رسانه‌های اجتماعی همچنین توزیع نمادها، شعارها و آثار هنری مرتبط با این جنبش را تسهیل کردند و هویت مشترک و پیام جنبش در سطح جهانی را تقویت کردند (Freelon, McIlwain & Clark, 2016: 6-11).

۵-۲. چالش‌گری فرهنگی و کنش‌های نمادین

رسانه‌های اجتماعی، کنش‌های نمادین جنبش را با امکان پخش سریع تصاویر، فیلم‌ها و پیام‌ها تقویت کردند. سکوهایی مانند اینستاگرام، توییتر و تیک‌تاک به فعالان اجازه می‌دادند تا محتوای بصری که معنای جنبش را در بر می‌گیرد، به اشتراک بگذارند. پویش‌های ویروسی مانند سه‌شنبه خاموشی^۱ که کاربران مربع‌های سیاه را منتشر می‌کردند از نقش رسانه‌های اجتماعی برای گسترش اعمال نمادین همبستگی در این جنبش خبر می‌دهند. رسانه‌های اجتماعی همچنین ایجاد و اشتراک‌گذاری میم‌ها^۲، آثار هنری و موسیقی را که کلیشه‌های فرهنگی را به چالش می‌کشند و کنش جمعی را الهام می‌بخشند، تسهیل می‌کردند. این امکانات و کنش‌های نمادین، مخاطبان جهانی را در چالش‌های فرهنگی جنبش درگیر می‌کردند و در نهایت موجب تقویت جنبش و چالش برای نظام‌های فرهنگی و سیاسی مدافع نژادپرستی می‌شدند (Jackson & Foucault Welles, 2015: 402-407).

۵-۳. ساختارهای غیرمتمرکز و مبتنی بر شبکه

رسانه‌های اجتماعی برای هماهنگ‌سازی و حفظ ساختار غیرمتمرکز جنبش «جان سیاهان...»، بسیار مهم بودند. سکوها، ارتباط بین فعالان در مناطق مختلف را تسهیل می‌کردند و همکاری بدون کنترل متمرکز را امکان‌پذیر می‌ساختند. ابزارهایی مانند گروه‌های فیسبوک، رشته‌های توییتر و سکوهای پیام‌رسان، به اشتراک‌گذاری محتوای نمادین، برنامه‌ریزی رویدادها و به‌روزرسانی‌های در لحظه را ممکن ساخته بود. رسانه‌های اجتماعی با اتصال افراد و سازمان‌ها، از شبکه‌سازی حمایت می‌کردند و انسجام جنبش را علی‌رغم پراکندگی جغرافیایی تقویت می‌کردند. این زیرساخت دیجیتال برای حفظ وحدت جنبش و تسهیل اقدامات هماهنگ در شبکه‌های غیرمتمرکز نقش ضروری ایفا کرد (Freelon, McIlwain & Clark, 2016: 36-41).

۵-۴. تمرکز بر خودمختاری و خودشکوفایی

سکوهای رسانه‌های اجتماعی فضاهایی را برای بیان شخصی و تقویت صداهای سیاه‌پوست فراهم کردند.

1. Blackout Tuesday
2. Memes

کسانی که موضوع این جنبش بودند یا به این جنبش علاقه داشتند و لزوماً هم سیاه‌پوست نبودند، داستان‌ها، دیدگاه‌ها و استعدادهای خود را از طریق وبلاگ‌ها، ویدئوبلاگ‌ها، پادکست‌ها و پست‌های رسانه‌های اجتماعی به اشتراک می‌گذاشتند. پویش‌هایی مانند BlackGirlMagic و BlackExcellence دستاوردهای جامعه سیاه‌پوست را جشن می‌گرفت و تقویت‌کننده تصاویر مثبت از سیاهان و الهام‌بخش برای آن‌ها و دیگران بود. رسانه‌های اجتماعی، شبکه‌سازی، راهبری و همکاری را تسهیل می‌کردند و از رشد شخصی و جمعی حمایت می‌کردند. با دموکراتیک کردن ایجاد و توزیع محتوا، رسانه‌های اجتماعی به تک‌تک افراد قدرت ابراز خود را می‌دادند تا به جنبش کمک کنند و خودشکوفایی را بر اساس شرایط و زمینه اجتماعی خاصی که خود در آن حضور داشتند، باتوجه به اهداف مشترکی که در این کنش جمعی بزرگ شکل گرفته بود، دنبال کنند (Williams, 2015: 341-344).

۵-۵. بازتابندگی و خودمحدودسازی

رسانه‌های اجتماعی با ارائه سکوهایی برای گفتگو و انتقاد، بازتابندگی را تسهیل می‌کنند. فعالان و حامیان در مورد جهت‌گیری جنبش گفتگو می‌کنند، بازخورد را به اشتراک می‌گذارند و تغییرات را پیشنهاد می‌دهند. سکوهایی مانند تویتر بحث‌های بلادرنگ در مورد مسائل بحث‌برانگیز را امکان‌پذیر می‌کنند و شفافیت و پاسخگویی را تقویت می‌کنند. رسانه‌های اجتماعی همچنین به تقویت صداهای حاشیه‌نشین در جنبش اجازه می‌دهند تا دیدگاه‌های متنوع تصمیم‌گیری را اطلاع دهند. این تبادل آزاد به توانایی جنبش برای اصلاح خود و تکامل کمک می‌کرد (Gallagher, Reagan, Danforth & Dodds, 2018: 1-3).

۵-۶. شبکه‌های سیال و فعالیت‌های پنهان

رسانه‌های اجتماعی این شبکه‌های سیال را با اتصال افراد و گروه‌ها به‌صورت خصوصی تقویت می‌کردند. برنامه‌های پیام‌رسان، مانند واتساپ ارتباطات امن و هماهنگی را تسهیل می‌کردند. گروه‌های خصوصی فیسبوک همکاری و به‌اشتراک‌گذاری اطلاعات خصوصی را ممکن می‌ساختند. رسانه‌های اجتماعی این شبکه‌ها را در دوره‌های آرام فعال نگاه می‌داشتند و مشارکت مداوم و آمادگی برای تصرف فضاهای برخلاف و حتی شهری را تضمین می‌کردند. با تقویت این ارتباطات پنهان، رسانه‌های اجتماعی به انعطاف‌پذیری و توانایی جنبش برای کنش پایدار کمک می‌کردند (Ransby, 2018: 96-103).

۵-۷. تأکید بر زندگی روزمره و تجربه شخصی

سکوهای رسانه‌های اجتماعی به افراد امکان داد تا داستان‌های شخصی را به طور گسترده به اشتراک بگذارند. افراد از طریق فیلم‌ها، وبلاگ‌ها و پست‌ها، تجربیات خود را مستند می‌کردند و توجه را به مواردی از نژادپرستی که ممکن است در غیر این صورت مورد توجه قرار نگیرند، جلب می‌کردند. پویش‌هایی مانند LivingWhileBlack تبعیض‌های روزمره را آشکار می‌کردند و گفتگوی عمومی و همبستگی به طرفداران جنبش را تقویت می‌کردند. در لحظه بودن و دسترسی کاربران رسانه‌های اجتماعی

به این روایت‌ها، اجازه می‌داد تا مخاطبان جهانی هم با آن‌ها ارتباط بگیرند و پیام جنبش را در گستره جهانی تقویت می‌کرد (Richardson, 2020: 39-44).

۵-۸. مقاومت در برابر نهادینه‌شدن

رسانه‌های اجتماعی به این جنبش قدرت فزاینده‌ای دادند تا مستقل از رسانه‌های اصلی و سکوها‌های نهادی فعالیت کند. فعالان می‌توانستند بدون تکیه بر فرایندهای سنتی که ممکن بود مجبور شوند پیام‌های خود را تحریف یا رقیق کنند، با حامیان ارتباط برقرار کنند، رویدادها را سازماندهی کنند و اطلاعات هدفمند را منتشر کنند. سکوهایی مانند توییتر و اینستاگرام به جنبش اجازه می‌دادند تا روایت‌های خود را کنترل کند، به سرعت بسیج شود و مخاطبان جهانی را از شرایط خود آگاه سازد. این استقلال دیجیتال مقاومت جنبش «جان سیاهان...» را در برابر نهادینه‌شدن با اجازه‌دادن به آن برای حفظ کنترل بر راهبردها و پیام‌های خود تقویت کرد (Lebron, 2023: 91-96).

۵-۹. اهداف و مسائل چندبعدی و چندسطحی به جهت مقابله با اشکال مختلف سلطه

سکوها‌های رسانه‌های اجتماعی به این جنبش اجازه دادند تا اطلاعات مربوط به این مسائل چندگانه را به طور هم‌زمان برجسته کرده و منتشر کنند. فعالان مقالات، داده‌ها، اینفوگرافی‌ها و داستان‌های شخصی را به اشتراک می‌گذاشتند که ارتباط بین اشکال مختلف ظلم را روشن می‌کرد. هشتگ‌هایی مانند Say- HerName توجه را به تجربیات خاص زنان سیاه‌پوست جلب می‌کرد، درحالی‌که برخی دیگر بر عدالت اقتصادی یا مراقبت‌های بهداشتی تمرکز کرده بودند. مشارکت برخط، امکان گفتگوهای تقاطعی را تسهیل کرد، مخاطبان گسترده‌ای را آموزش داد و همبستگی در جنبش‌های مختلف را تشویق کرد. سکوها‌های دیجیتال به جنبش «جان سیاهان...» اجازه داد تا به طور مؤثری برای اهداف چندبعدی امکان حمایت و کنشگری پیدا کنند (Cohen & Jackson, 2016: 788-790).

۵-۱۰. سیالیت زمانی و کنش‌های دوره‌ای

رسانه‌های اجتماعی توانایی این جنبش را برای بسیج سریع در پاسخ به رویدادهای خاص سرعت بخشیدند. به‌اشتراک‌گذاری بلادرنگ اخبار، فیلم‌ها و فراخوان‌ها به سازماندهی فوری اعتراضات و کنش‌های هم‌پسند را ممکن کرد. محتوای ویروسی به‌سرعت آگاهی را گسترش می‌داد و توجه جهانی را به حوادث خاص جلب می‌کرد. در دوره‌های آرام‌تر، رسانه‌های اجتماعی با به‌اشتراک‌گذاشتن اخبار، رویدادهای گذشته و محتوای مرتبط با آن، محتوای آموزشی و فرصت‌های مشارکت، تعامل با بدنه طرفدار و علاقه‌مند به خود را حفظ می‌کردند. این حضور مداوم برخط، حامیان را متصل، آگاه و آماده برای بسیج‌های سریع در آینده‌های نزدیک نگاه می‌داشت و سیالیت و کشسانی زمانی جنبش را تقویت می‌کرد (Hillstrom, 2018: 51-59).

۶. تجزیه و تحلیل یافته‌ها

تحلیل انجام شده در این پژوهش نشان می‌دهد نظریه جنبش‌های اجتماعی جدید آلبرتو ملوچی در تبیین برخی ابعاد جنبش «جان سیاهان...» کارآمد است و در برخی دیگر از ابعاد، به بازنگری نیاز دارد. چارچوب مفهومی ملوچی، به‌ویژه در محورهای همچون هویت جمعی، کنش نمادین و ساختار غیرمتمرکز، به درک سازوکارهای کنش جمعی در این جنبش کمک می‌کند. در عین حال، ظهور رسانه‌های اجتماعی به‌عنوان متغیری جدید، مفاهیم بنیادین نظریه ملوچی را به چالش می‌کشد و ضرورت بازخوانی و توسعه آن را برجسته می‌سازد.

یکی از نقاط قوت نظریه ملوچی، تأکید بر فرآیند شکل‌گیری هویت جمعی به‌عنوان بنیان کنش جمعی است. این مفهوم در جنبش «جان سیاهان...» قابل رهگیری است. با این حال، رسانه‌های اجتماعی نه تنها این فرآیند را تسریع می‌کنند، بلکه شکل و سازوکار آن را نیز دگرگون می‌سازند. در حالی که ملوچی از هویت جمعی به‌مثابه برساختی در بستر تعاملات انسانی سخن می‌گوید، در تجربه دیجیتال، این هویت از طریق گسترش نمادهای بصری، الگوهای ویروسی و الگوریتم‌های سکومحور شکل می‌گیرد. این تحول، موجب گسترش دامنه و سرعت هویت‌سازی می‌شود، اما هم‌زمان، انسجام معنایی آن را تضعیف می‌کند و آن را در معرض تشتت قرار می‌دهد.

کنش نمادین که یکی از مؤلفه‌های محوری در نظریه ملوچی است، در تجربه این جنبش با اقداماتی مانند زانو زدن، سکوت‌های نمادین و استفاده گسترده از هشتگ‌ها تقویت شده است. با این حال، ماهیت مصرف‌محور و شتاب‌زده رسانه‌های اجتماعی باعث می‌شود معناهای نمادین به‌سرعت فرسوده شوند و ثبات خود را از دست بدهند. در چنین فضایی، اثربخشی کنش‌های نمادین به توانایی جنبش در بازآفرینی و بازمعناسازی مداوم آن‌ها وابسته است.

ساختار غیرمتمرکز و شبکه‌ای، از دیگر مفاهیم بنیادین در نظریه ملوچی است. در جنبش «جان سیاهان...» نیز این ویژگی، به‌واسطه ابزارهای دیجیتال تحقق می‌یابد و گسترش می‌یابد. رسانه‌های اجتماعی امکان سازماندهی بدون مرکزیت، ارتباط سریع و توزیع افقی اطلاعات را فراهم می‌کنند. در عین حال، همین ویژگی ممکن است انسجام راهبردی را تضعیف کند و موجب گسست در پیام و راهبرد شود. بازتابندگی جنبش نیز به‌واسطه رسانه‌های اجتماعی تقویت می‌شود. این فضا امکان گفت‌وگو، بازخورد و اصلاح درونی را فراهم می‌کند و مشارکت کنشگران را افزایش می‌دهد. اما در کنار آن، جنبش را در معرض اطلاعات نادرست، تخریب سازمان‌یافته و اشباع رسانه‌ای قرار می‌دهد؛ اموری که در چارچوب نظری ملوچی کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند.

جنبش «جان سیاهان...» همچنین بر هم‌پوشانی انواع مختلف تبعیض‌ها و بی‌عدالتی‌ها تأکید می‌کند و از طریق رسانه‌های اجتماعی، این موضوع را به شکل گسترده‌تری مطرح می‌سازد. شبکه‌های دیجیتال امکان پیوند میان مطالبات مرتبط با نژاد، جنسیت، طبقه و فرهنگ را فراهم می‌کنند و فضایی برای بیان هم‌زمان انواع گوناگون ستم ایجاد می‌کنند. این ویژگی، چندلایه بودن کنشگری اجتماعی در عصر حاضر را برجسته می‌سازد و نظریه ملوچی را به‌سمت انعطاف‌پذیری مفهومی سوق می‌دهد.

با وجود این ظرفیت‌ها، تجربه این جنبش نشان می‌دهد که چارچوب نظری ملوچی در برابر تحولات محیط دیجیتال نیازمند تکمیل است. ملوچی به پدیده‌هایی مانند الگوریتم‌های رسانه‌ای، فرسودگی دیجیتال، سازوکارهای نظارتی سکوها و مالکیت نهادی بر فضای کنشگری اجتماعی جدید اشاره نکرده است. در دنیای امروز، این عناصر بر سازمان‌یابی، تداوم و معنای جنبش‌ها تأثیر می‌گذارند و نمی‌توان آن‌ها را نادیده گرفت.

در مجموع، یافته‌های این پژوهش تأیید می‌کنند که نظریه ملوچی ظرفیت مفهومی بالایی دارد و بسیاری از عناصر آن در تحلیل جنبش‌های اجتماعی دیجیتال همچنان معتبرند. با این حال، به‌روزرسانی این چارچوب و الحاق مفاهیمی متناسب با منطق کنش دیجیتال، برای تبیین کامل‌تر جنبش‌هایی مانند «جان سیاهان...» ضروری است.

نتیجه‌گیری

جنبش «جان سیاهان...»، تأثیر تحول‌آفرین رسانه‌های اجتماعی بر شکل‌گیری و پویایی جنبش‌های اجتماعی جدید در عصر دیجیتال را برجسته کرد. این جنبش با گسترش عناصر اصلی نظریه آلبرتو ملوچی، نشان می‌دهد که چگونه رسانه‌های اجتماعی نه تنها تسهیل‌کننده، بلکه شکل‌دهنده ابعاد کلیدی کنش جمعی در جهان معاصر هستند. رسانه‌های اجتماعی با تسهیل شکل‌گیری سریع هویت جمعی در این جنبش، به افراد در سراسر جهان اجازه دادند تا با استفاده از نمادها و تجربیات مشترک بی‌عدالتی نژادی، با واسطه‌هایی مانند هشتگ BlackLivesMatter، به هم متصل شده و متحد شوند. این فرایند با دیدگاه ملوچی در مورد هویت جمعی همسو است. البته تجربه این جنبش، سرعت و دامنه‌های تازه‌ای را که سکوها دیجیتال فراهم می‌کنند، به‌وضوح نشان داد.

ساختار غیرمتمرکز این جنبش نیز آشکارا از رسانه‌های اجتماعی بهره برد و به جنبش امکان داد بدون رهبری متمرکز، سازماندهی و بسیج شود. رسانه‌های اجتماعی مفهوم ملوچی در مورد سازماندهی مبتنی بر شبکه را تقویت کردند و از تعامل افقی و انطباق‌پذیر در مناطق مختلف پشتیبانی می‌کنند. علاوه بر این، ماهیت ویروسی رسانه‌های اجتماعی، کنش‌های نمادین جنبش مورد نظر را تقویت کرده و مشکلات نژادپرستی سازمان‌دهی شده را برای افکار عمومی جهانی مطرح ساخت. این تقویت تأثیر فرهنگی که ملوچی آن را به‌عنوان عنصر مرکزی برای جنبش‌های اجتماعی جدید توصیف کرده بود را برجسته می‌کند. رسانه‌های اجتماعی همچنین بازتاب‌پذیری جنبش «جان سیاهان...» را تقویت کردند و امکان بازخورد بلادرنگ را فراهم کردند.

این اتفاق به جنبش اجازه داد تا راهبردهای خود را به‌سرعت تنظیم کند و با نیازهای شرکت‌کنندگان و تحولات خارجی سازگار شود. این بازتاب‌پذیری تقویت‌شده از نظریه ملوچی حمایت می‌کند و همچنین نشان می‌دهد که چگونه فناوری، مشارکت فعال‌تر و گسترده‌تر در تکامل جنبش را تسهیل می‌کند. علاوه بر این، رسانه‌های اجتماعی به این جنبش امکان دادند تا اهداف تقاطعی را برآورده کند و با اتصال مسائل و جوامع متنوع، شکل‌گیری حوزه‌ها و نقاط اشتراک نظر را فراهم کند. سکوها برخط بحث در مورد

اشکال سازمان‌دهی شده ستمگری را تسهیل کردند و نقطه‌نظر ملوچی در مورد پیچیدگی مبارزات اجتماعی معاصر را تقویت کردند. در واقع، رسانه‌های اجتماعی توانایی جنبش برای درگیر شدن هم‌زمان با مسائل مختلف عدالت اجتماعی را توسعه و ارتقا دادند.

با این حال، رسانه‌های اجتماعی چالش‌های جدیدی را ایجاد کرده‌اند که در نظریه‌های پیش از خود به شکل کامل پیش‌بینی نشده‌اند. ماهیت سرعت‌دهنده و سازوکارهای سکویای دیجیتال می‌تواند بر دید و الگوهای زمانی تعامل تأثیر بگذارد و حوزه‌هایی را پیشنهاد کند که نظریه ملوچی ممکن است نیاز به روزآمد کردن داشته باشد. تأثیر رسانه‌های اجتماعی بر جنبش «جان سیاهان...»، نشان داد که نظریه جنبش‌های اجتماعی جدید ملوچی بصیرت‌های مهمی را ارائه کرده است؛ اما با توجه به آنکه ایده‌های ملوچی در حدود سه دهه پیش قوام یافته است، نیاز به تطبیق با پیشرفت‌های فناوریانه امروز جهان برای درک کامل سازوکارهای شکل‌گیری و سازمان‌دهی جنبش‌های معاصر دارد؛ هر چند که درباره بحث‌های مبنایی مانند بنیان‌های کنش اجتماعی معاصر و تفاوت‌های ماهوی آن‌ها با جنبش‌های سنتی و تحلیل‌های مارکسیستی، نظریه ملوچی همچنان کفایت نسبی لازم در این راستا را حفظ کرده است.

منابع

- راستین، آرزو (۱۴۰۰)، حقوق اقلیت‌ها در آمریکا؛ مطالعه موردی: جنبش اخیر سیاهان، (پایان‌نامه کارشناسی ارشد منتشر نشده)، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
- مصفا، نسرین و نظیف پور علی (۱۴۰۰)، «تأثیر جنبش «جان سیاه‌پوستان اهمیت دارد» بر رویکرد بین‌المللی دولت آمریکا در زمینه حقوق بشر»، دوفصلنامه بین‌المللی حقوق بشر، دوره ۱۶، شماره ۳۲، ۵۱-۷۰.
- ناصرخاکی، حسن و مرشدی زاد، علی (۱۴۰۱)، «تحلیل نسبت هویت انقلاب اسلامی و جنبش‌های محیط زیستی در عرصه جهانی»، پژوهش‌های راهبردی سیاست، دوره ۱۱، شماره ۴۱، ۱۷۵-۲۱۲.

References

- Bonilla, Y., & Rosa, J. (2015), #Ferguson: Digital protest, hashtag ethnography, and the racial politics of social media in the United States. *American ethnologist*, 42(1), 4-17, <https://doi.org/10.1111/amet.12112>.
- Brown, M., Ray, R., Summers, E., & Fraistat, N. (2017), #SayHerName: A case study of intersectional social media activism. *Ethnic and Racial Studies*, 40(11), 1831-1846, <https://doi.org/10.1080/01419870.2017.1334934>.
- Buechler, S. M. (1995), New social movement theories. *Sociological Quarterly*, 36(3), 441-464, <https://doi.org/10.1111/j.1533-8525.1995.tb00447.x>.
- Cohen, C. J., & Jackson, S. J. (2016), Ask a feminist: A conversation with Cathy J. Cohen on Black Lives Matter, feminism, and contemporary activism. *Signs: Journal of Women in Culture and Society*, 41(4), 775-792, <https://doi.org/10.1086/685115>.
- Fereday, J., & Muir-Cochrane, E. (2006), Demonstrating rigor using thematic analysis: A hybrid approach of inductive and deductive coding and theme development. *International journal of qualitative methods*, 5(1), 80-92, <https://doi.org/10.1177/160940690600500107>.
- Freelon, D., McIlwain, C.D., & Clark, M.D. (2016), Beyond the Hashtags: #Ferguson,

- #Blacklivesmatter, and the Online Struggle for Offline Justice. Social Science Research Network.
- Gallagher, R. J., Reagan, A. J., Danforth, C. M., & Dodds, P. S. (2018), Divergent discourse between protests and counter-protests: #BlackLivesMatter and #AllLivesMatter. PloS one, 13(4), e0195644, <https://doi.org/10.1371/journal.pone.0195644>.
 - Garza, A. (2020), The purpose of power: How we come together when we fall apart. One World.
 - Hillstrom, L. C. (2018), Black Lives Matter: From a moment to a movement. Bloomsbury Publishing USA.
 - Jackson, S. J., & Foucault Welles, B. (2015), #Ferguson is everywhere: initiators in emerging counterpublic networks. Information, Communication & Society, 19(3), 397–418, <https://doi.org/10.1080/1369118X.2015.1106571>.
 - Jackson, S. J., Bailey, M., & Welles, B. F. (2020), #HashtagActivism: Networks of race and gender justice. Mit Press.
 - Jost, J. T., Barberá, P., Bonneau, R., Langer, M., Metzger, M., Nagler, J., ... & Tucker, J. A. (2018), How social media facilitates political protest: Information, motivation, and social networks. Political psychology, 39, 85-118, <https://doi.org/10.1111/pops.12478>.
 - Lebron, C. J. (2023), The making of black lives matter: A brief history of an idea. Oxford University Press.
 - Melucci, A. (1996), Challenging Codes: collective action in the information age. Cambridge UP.
 - Mosaffa, N., & Nazifpour, A. (2022), The Effects of the “Black Lives Matter” Movement on the International Approach of the US Government to Human Rights. The Journal of Human Rights, 16(2), 51-70, <https://doi.org/10.22096/hr.2022.556795.1489>. [in Persian]
 - Naserkhaki, H., & Morshedizad, A. (2022), Analysis of the Relationships between the Islamic Revolution Identity and Environmental Movement Identity in the World Arena. Political Strategic Studies, 11(41), 175-212, <https://doi.org/10.22054/qpps.2022.67824.3034>. [in Persian]
 - Offe, C., & Offe, C. (2019), New social movements: Challenging the Boundaries of institutional politics (1985) (pp. 255-294), Springer Fachmedien Wiesbaden,
 - Patton, M. Q. (2015), Qualitative Research & Evaluation Methods: Integrating Theory and Practice (4th ed.), Thousand Oaks, CA: SAGE Publications.
 - Ransby, B. (2018), Making all black lives matter: Reimagining freedom in the twenty-first century (Vol. 6). Univ of California Press.
 - Rastin, Arezoo. (2021), Minority Rights in the United States: A Case Study of the Recent Black Movement. (Unpublished Master’s Thesis). University of Tehran, Tehran, Iran. [in Persian]
 - Richardson, A. V. (2020), Bearing witness while Black: African Americans, smartphones, and the new protest #journalism. Oxford University Press, USA.
 - Rickford, R. (2016), Black lives matter: Toward a modern practice of mass struggle. New Labor Forum, 25(1), 34–42, <https://doi.org/10.1177/1095796015620171>.
 - Taylor, K. Y. (2016), From #BlackLivesMatter to black liberation. Haymarket Books.
 - Tufekci, Z. (2017), Twitter and tear gas: The power and fragility of networked protest. Yale University Press.
 - Williams, S. (2015), Digital Defense: Black Feminists Resist Violence With Hashtag Activism. Feminist Media Studies, 15(2), 341–344, <https://doi.org/10.1080/14680777.2015.1008744>.